

سرشناسه: دوستی، اصغر، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدیدآور: اکسیر نیستی / نویسنده اصغر دوستی؛ ویراستار فائزه قوچی
مشخصات نشر: تهران: نسل نواندیش، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۰-۹۲۸-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۵
Persian poetry -- 21st century
رده بندی کنگره: PIR۳۴۳
رده بندی دیویی: ۸۱۰/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۱۱۰۷۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

اکسیر نیستی
www.ketab.ir

شاعر: اصغر دوستی
ویراستار: فائزه قوچی
صفحه آرا: افسانه حسن بیگی
طراح جلد: سمانه محمدی
ناشر: نسل نواندیش
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: چهارم (ویراست جدید)
سال چاپ: ۱۴۰۳
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۰-۹۲۸-۵
ISBN: 978-622-220-928-5

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.
نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

تلفن: ۸۸۹۴۲۲۴۷ - ۹
www.naslenowandish.com
info@naslenowandish.com



NasleNowAndish

انتشارات نسل نواندیش

<https://telegram.me/naslenowandish>



فهرست

- ۱ دلا تا به کی غافل از حال خویش ۱۱
- ۲ بیا تا برآریم دست نیاز ۱۴
- ۳ می طلب کردم، نصیبم می شد از نیاز تو ۲۱
- ۴ ای دلبر پریوش من، بی تو بیدلم ۲۴
- ۵ به ناز دست طیبیان نیفتد این بدنم ۲۶
- ۶ پرندۀ خیال من به دست تو پریده شد ۲۸
- ۷ موج دریا سر برآرد تا بیابد اصل خویش ۳۰
- ۸ جان تو پوشیده در من جان من بی تاب تو ۳۲
- ۹ غصۀ پیری ندارم، عاشقم چون نوجوان ۳۴
- ۱۰ در جهان یک دلبر جانی فقط معشوق ماست ۳۶
- ۱۱ صورت ما تابشی از نیمۀ پنهان ماست ۳۸
- ۱۲ از ره چشم خمارش راه دل را می گشود ۴۰
- ۱۳ در خلوت خود او را در جان و تم دیدم ۴۲
- ۱۴ من گرفتار نگاه چشم بیمارتم شدم ۴۴
- ۱۵ من ندانستم محبت چشم را گریان کند ۴۵
- ۱۶ بگذر از خود تا بیابی آن خود آگاه را ۴۷
- ۱۷ ای که حس مبهم ما را نگاه تو جواب ۴۹
- ۱۸ ای که هستی را تو جانی، جان من اسپند تو ۵۱

- ۴۷ گرچه پیرم، با خیالش دل جوانی می‌کند..... ۱۰۵
- ۴۸ چه خوش است در دل شب غم دل به یار گفتن..... ۱۰۷
- ۴۹ نگاهت را مگیر از من، بگیرد قلب بیمارم..... ۱۰۸
- ۵۰ ای که در دریا به دنبال صدف گم گشته‌ای..... ۱۱۰
- ۵۱ جان، بی‌رخ نگارم، دل بر جهان ندارد..... ۱۱۲
- ۵۲ سلام ای شاه خوبانم، علی موسی‌الرضا جانم..... ۱۱۴
- ۵۳ عنقای کوه قاف و بلند آشیانه‌ام..... ۱۱۶
- ۵۴ من دل خود را به کوی خوبرویان می‌برم..... ۱۱۷
- ۵۵ ای که با مهرت نهادی تاج عزّت بر سرم..... ۱۱۹
- ۵۶ از باده نگاهت جامی ده از عنایت..... ۱۲۱
- ۵۷ بیا ای ساقی مستان بده جامی که بی‌جانم..... ۱۲۳
- ۵۸ یا حسین ای یکه تاز وادی میدان عشق..... ۱۲۵
- ۵۹ هر ورق از برگ گل جلوه‌ای از روی اوست..... ۱۲۸
- ۶۰ در هوای وصل تو از هجر گریانم چو شمع..... ۱۳۰
- ۶۱ سرای سینه تنگ من آشیانه تست..... ۱۳۲
- ۶۲ ای که ذات بی‌نشان را خود نشانه یا علی..... ۱۳۴
- ۶۳ با نگاه مست تو افتاده‌ام در دام تو..... ۱۳۶
- ۶۴ تا که صبر دل رود از دست، گیسو را گسست..... ۱۳۸
- ۶۵ ای که در دل آتشی از عشق داری تو نشان..... ۱۴۰
- ۶۶ سحر سپیده دمی دلبری خیال انگیز..... ۱۴۲
- ۶۷ بیا و دیده دل باز کن که جان بینی..... ۱۴۴
- ۶۸ مرغ دلم از این قفس تنگنای دوست..... ۱۴۶
- ۶۹ پهنه سینای طور سینه سوزان ماست..... ۱۴۸
- ۷۰ مادر ای گل‌واژه مهر و محبت در جهان..... ۱۵۰
- ۷۱ مرا سربست با جانان در این خلوت‌سرای دل..... ۱۵۲
- ۷۲ سحرگه بللی رو سوی گلزار..... ۱۵۴
- ۷۳ مادر ای جلوه نوبهارم..... ۱۵۶
- ۷۴ تا به کی انسان به خوابی غافل از احوال خویش..... ۱۵۸

- ۷۵ با که گویم درد بی درمان من افسانه شد؟ ۱۶۰
- ۷۶ آنکه به خلوت چشید لذت دیدار دوست ۱۶۲
- ۷۷ بیا سیمرغ رؤیایی فرود آ خانه پستم ۱۶۴
- ۷۸ ای یار دنوازم ۱۶۶
- ۷۹ ای شاهد بازار من سرو خرامان یار من ۱۶۸
- ۸۰ پیر فرزانه به حکمت راز خلقت می نمود ۱۷۰
- ۸۱ به شراب روی نازت چه شود که تشنه کامی ۱۷۳
- ۸۲ بنگر به من ای یار من بر این دل بیمار من ۱۷۵
- ۸۳ بی تو ای آرام جانم بی قرارم بی قرار ۱۷۷
- ۸۴ نگاه از نرگس مستانه کرده ۱۷۹
- ۸۵ گوشه ابروی تو ای ماه من ۱۸۱
- ۸۶ مرغ دلم پر می زند تا آهتانت بی امان ۱۸۳
- ۸۷ به هزار جلوه جانا، تو چنان من ربودی ۱۸۵
- ۸۸ ما خاک خود زدیم به اکسیر بیستی ۱۸۷